

السلامه

تکلیف عشق

سروده

فریده حقیقت ناصری (لادن)

ناشر:

انتشارات شیوه

سرشناسه	: حقیقت ناصری، فریده، ۱۳۶۰
عنوان و نام پدیدآور	: تکلیف عشق / سروده فریده حقیقت ناصری.
مشخصات نشر	: تهران: شیوه، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: ۷۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۷۲۱۴-۸۶-۵
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۴.
رده بندی کنگره	: ت ۸ ف ۹۳۷ / ۱۳۸۹ PIR ۸۰۲۲
رده بندی دیویی	: ۱ / ۶۲۴۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۴۷۰۰۲۲



عنوان: تکلیف عشق

شاعر: فریده حقیقت ناصری «لادن»

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۹

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۲۱۴-۸۶-۵

ناشر: شیوه

چاپ / صحافی: خورشید / شکیب

مرکز پخش: تهران، خیابان ۱۲ فروردین، نرسیده به جمهوری، کوچه مهر،

پلاک ۸، واحد ۳، تلفن: ۶۶۴۸۰۱۵۳ همراه: ۰۹۱۲۸۰۵۴۰۸۷



مقدمه

خیال ندارم از راهی که گذشت چیزی بگویم...
از سختی‌ها و شب‌های بدون خواب گرفته تا موانعی که پیش رو داشتم تا این کار به نتیجه رسد.

فکر می‌کنم به جای نگاشتن چنین‌ها و چنان‌ها بهتر است سرانجام راه نوشته شود. راهی که از همین صفحه می‌رود تا آخر کتاب و بعد از آخرین برگ می‌رسد به ذهن ایرانی تو.

تعبیر "ذهن ایرانی" برعکس تعبیرهای فراوانی که این روزها به جامعه پرتاب می‌شود دارای اصالت و اعتبار است، مخصوصاً برای اهل هنر و قلم و کتاب، که خودشان سازنده‌ی این تعبیر گرآن هستند.

ذهن ایرانی چندین هزار سال پیش ساخته شد و اجزا مختلفش روز به روز پخته‌تر گشت تا امروز به اوج تعالی خود برسد و بی‌قافیه سخنی آبی‌تر از عشق بگوید. یکی از ارکان و پایه‌های ذهن ایرانی - و شاید اصلی‌ترین پایه‌ها - "شعر" است؛ به معنای اخض کلمه؛ چرا که هنر و موسیقی و آوا و دیگر پایه‌ها را هم شعر می‌دانند.

نمی‌شود ایرانی باشی و ذهنت با حافظ به سما نرسد و با سعدی به حکمت. اگر روزگاری شعر و سخن حافظ به ذهن ایرانی تزریق شد لابد باید در گذر زمان این ذهن جستجوگر به رشد برسد و بتواند فرای حافظ سخن بگوید، - شعر نه! که حافظ گرآن‌ترین اشعار است. - باید روزی برسد



که نیما نامی از شمال ایران پرچم بردارد که آهای هر کسی که ذهنت ایرانی ست!! من شکستم بند قافیه را!

بیا سپید بیافیم تار و پود شعر ایرانی را. آزاد ...

اگر شعر حافظ را به زندگی ذهن ایرانی بیاشیم و عروض را هم برای راحتی زبان ذهنمان کم جلوه‌تر بنماییم، می‌شود این مجموعه! که راه کلافواری در ذهن ایرانی را طی کرده و به قلم آمده و سیاه مرکبی به کاغذش نشانده.

فریده حقیقت هستم و به زبان فارسی سخن می‌گویم. ذهن ایرانی دارم و شاگردی سهراب کرده‌ام در کاشان. طلوع که می‌شود از سناباد خورشید را تعقیب می‌کنم تا به خاوران که رسید قلمی بردارم و کاغذی سیاه کنم به شعر سپید عاشقانه‌ی ایرانی.

شعری که عقیده‌ام این است، بذرش را نیما کاشت. سهراب آبش داد و آفتاب عشق آبی حافظ تنومندش کرد.

سهراب آن روزها زیر نور آفتاب نشست به تظاره‌ی این نهال سپید ... و اکنون از کنار آفتاب نگاه می‌کند گل‌هایی را که بوی شمعدانی‌های کاشان می‌دهند.

گل‌های شعر سپید پارسی.

"تکلیف عشق" را نوشتم تا در همین اولین مجموعه اتمام حجت کنم با این پدیده‌ی عجیبی که پدرانم حافظ و نیما و سهراب به ارث گذاشتند... عشق!

و امید که در مجموعه‌های بعد بنشینم به شمارش میراث‌های دگری که به خاطر داشتن ذهن ایرانی‌ام به من به ارث رسیده، می‌نویسم... درست در لحظه‌ای که خورشید در افق خونین خاوران غرق می‌شود.



فهرست مطالب

۷	روزهای کهنه
۸	سپهری زمان
۹	سفر
۱۰	حکایت
۱۱	سکوت
۱۲	قالب عکس
۱۳	سرگردانی
۱۴	رقص پیچک‌ها
۱۵	کودکان شهر
۱۶	اغوش سرد
۱۷	سکوت
۱۸	زنگ خطر
۱۹	به شما محتاجم
۲۰	حرفهای نگفته
۲۱	نوازش کفش دوزی
۲۲	تکلیف عشق
۲۳	یاد همه را برده بود
۲۴	یگذار پایان ما...
۲۵	صدایت می‌کنم
۲۶	پاور کن--
۲۷	دنیا
۲۷	گریه کن
۲۸	فاصله
۲۹	اسیر
۳۰	وقت شکستن است
۳۱	فریب
۳۲	شعرهای تقویمی
۳۳	شیشمی باران خورده
۳۴	شاید
۳۵	قایق نجات
۳۶	دلشوره
۳۷	پندرا ای سنگ صبور!
۳۸	سپ کال
۴۰	من، تنها من
۴۱	جماعت گل‌ها



۴۲	موسیقی آب
۴۳	درد
۴۴	عبور... ممنوع!
۴۵	اعتراف
۴۶	سمفونی رعد
۴۷	لالایی پاییز
۴۸	عطش
۴۹	پرواز
۵۰	آواز دهل
۵۱	کاغذ بی خط
۵۲	اینجا کجاست؟
۵۳	نگذار بروم
۵۴	تو...
۵۵	باید عبور کرد
۵۶	دختران انتظار
۵۷	سکوت یعنی...
۵۸	پاییز
۵۹	در زمستان هم که باشی...
۶۰	به کدامین گناه
۶۱	خدا حافظ...
۶۲	در وادی خاموشان
۶۳	تنها آسمان بود و...
۶۴	شنبه
۶۵	باران
۶۶	مثل یک عصر پاییزی
۶۷	با شمع می در دست
۶۸	طعم آسمان
۶۹	پروانه ها می دانند
۷۰	سیاه مشق
۷۱	با شمعدانی ها...

